

از هفتم اکتبر

که از هفتم اکتبر می گذرد، چگونه است؟

بر روابط مصر و اسرائیل تأثیر گذاشته است و پیشرفت سال ها را معکوس کرده و روابط بین دو همسایه را به هم ریخته است. روابط مصر و اسرائیل در سال های قبل از جنگ به طور قابل توجهی بهبود یافته بود. به ویژه پس از آنکه اسرائیل به درخواست قاهره برای کمک جهت مقابله با شورش های شبه نظامیان وابسته به داعش در شمال صحرای سینا رضایت داد. در سال ۲۰۱۳، قاهره خواستار اصلاح معاهده صلح ۱۹۷۹ بین مصر و اسرائیل شد تا امکان استقرار نیروها و تجهیزات نظامی اضافی در شبه جزیره سینا را فراهم کند. اسرائیل تأیید کرد و به حدود ۶۶ هزار سرباز مصری اجازه داد در صحرای سینا مستقر شوند. اسرائیل همچنین همکاری امنیتی خود را با مصر تقویت کرد و کمک های راهبردی از جمله پشتیبانی اطلاعاتی و هوایی ارائه کرد که در نهایت به قاهره کمک کرد تا این تهدید را مهار کند. با این حال، جنگ اسرائیل و حماس، تنش ها را بین مصر و اسرائیل تشدید کرد، طی یک سال گذشته، اتهامات و هشدارهایی میان دو طرف در مورد تعدادی از موضوعات مورد مناقشه مطرح شد. در هفته های اولیه جنگ، اظهارات جنجالی برخی از وزرای ملی گرای افراطی کابینه بنیامین نتانیاهو مبنی بر درخواست مصر برای پذیرش آوارگان فلسطینی و اسکان مجدد آنها در صحرای سینا، واکنش خشمگینانه قاهره را برانگیخت. عبدالفتاح السیسی تأکید کرد که مناقشه اسرائیل و فلسطین نمی تواند به قیمت آسیب به سایر طرف ها حل شود و هشدار داد که چنین اقدامی می تواند پیمان صلح را به خطر بیندازد. مصر و اسرائیل همچنین در مورد بسته شدن مرز رفح که منجر به مسدود شدن کامیون های حامل کمک های بشردوستانه در رفح شد، یکدیگر را سرزنش کرده اند. در حالی که معاهده صلح احتمالاً دست نخورده باقی خواهد ماند، اما برای ترمیم آسیب ها در روابط با مصر به دیپلماسی زیادی از سوی اسرائیل نیاز است. اگر قاهره موفق به میانجی گری برای آتش بس و تبادل گروگان ها بین اسرائیل و حماس شود، این مسئله ممکن است تغییردهنده بازی برای بازگرداندن روابط به وضعیت قبل از جنگ باشد.

ریشه کن کردن حماس و احتمال شورش در غزه

حماس با باقی ماندن ۴۰ درصد از جنگجویانش در میدان نبرد، همچنان از توانایی انجام یک حمله در مقیاس بزرگ در آینده برخوردار است. به این ترتیب، این تردید وجود دارد که اسرائیل با پایان دادن به جنگ موافقت کند مگر تا زمانی که حماس بیشتر تنزل یابد. اسرائیل با پاکسازی شهر غزه، خان یونس و رفح، تا حد زیادی به پایان عملیات رزمی بزرگ رسیده است. این بدان معناست که نزدیک به نیمی از جنگجویان حماس یا با جمعیت غیرنظامی ترکیب شده اند یا همچنان در میان ساختمان ها و تونل های پراکنده در غزه پنهان شده اند. اسرائیل احتمالاً مجبور خواهد بود برای مدتی طولانی عملیات پاکسازی مجدد در سراسر نوار غزه را ادامه دهد. حتی اگر یک

معامله کوتاه مدت برای گروگان های باقیمانده منعقد شود، بعید است که نتایج او اجازه دهد این تعداد از جنگجویان حماس باقی بمانند. اسرائیل اسماعیل هنیه، رهبر حماس را در تهران ترور کرد، اما به سرعت یحیی سنور، فرمانده نظامی این گروه و معمار حمله ۷ اکتبر، جایگزین او شد. در عین حال، اسرائیل مجبور است دولت-ملت سازی را در غزه آغاز کند، زیرا هدف اعلام شده جایگزینی حماس با گروهی دیگر در غزه است. حماس از آخرین انتخابات سال ۲۰۰۶ غزه را اداره می کند. گزارش های اخیر رسانه ها حاکی از آن است که یک نیروی چندملیتی حافظ صلح متشکل از افسران پلیس برای تامین امنیت غزه تشکیل خواهد شد. اگر مردم غزه حضور این نیروی امنیتی را رد کنند، احتمالاً شورش خواهند کرد.

غزه پس از جنگ

بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، در سخنرانی ۲۵ ژوئیه خود در کنگره آمریکا، هدف اسرائیل از غزه پس از جنگ را بیان کرد: «غزه باید دارای یک حکومت غیرنظامی باشد که توسط فلسطینی هایی اداره شود که به دنبال نابودی اسرائیل نیستند.» جو بایدن در ۳۱ مه هدف ایالات متحده را «پایان باادام جنگ» تعیین کرد: به طوری که «همه گروگان ها را به خانه بازگرداند، امنیت اسرائیل را تضمین کند، و در «روز بعد از جنگ» غزه بهتری بدون حضور حماس شکل بگیرد.» دیدگاهی است که قدرت نظامی به تنهایی این اهداف را محقق نخواهد کرد. تاریخ درس هایی به ما می آموزد که برنامه ریزان پس از جنگ، باید به مواردی نظیر داستان آلمان و ژاپن پس از جنگ جهانی دوم و عراق، لیبی و افغانستان پس از جنگ توجه کنند. اینکه چه کسی غزه را اداره می کند، بسیار مهم است. کارشناسان خارجی، رهبران سیاسی اسرائیل، و امارات متحده عربی همگی خواستار مدیریت غزه در یک دوره انتقالی توسط یک مقام چندملیتی تحت نظارت یک گروه تماس بین المللی با نیروی پلیس بین المللی قوی هستند که می تواند از بازگشت حماس به قدرت جلوگیری کند. برخی از مسائل سیاسی باید حل شود و تنها ایالات متحده می تواند راه حلی برای حل آن پیدا کند. همه این طرح ها اذعان دارند که دستیابی به هدف بایدن به دخالت مستقیم ایالات متحده بیشتر از آنچه ایالات متحده مایل به انجام آن بوده است نیاز دارد. اما هیچ جایگزینی وجود ندارد که مانع از بازگشت حماس به قدرت شود. عبارت «مستان در راه است» از مجموعه بازی های تاج و تخت را به خاطر داشته باشید.

آینده توافقنامه ابراهیم

آینده توافق ابراهیم بدون راه حلی پایدار و عادلانه برای مناقشه اسرائیل و فلسطین به طور کامل محقق نمی شود. اگر چه این توافق نامه ها به دلیل به حاشیه راندن مسئله فلسطین با

انتقادهایی مواجه شده است، اما هنوز پتانسیلی وجود دارد که آنها به عنوان چارچوبی برای تشویق مجدد گفت و گوها عمل کنند. علاوه بر این، گنجاندن بالقوه عربستان سعودی در این توافق می تواند تحولی دگرگون کننده باشد. ریاض علاقه نشان داده است اما هر اقدام رسمی احتمالاً به پیشرفت معنادار در جهت حل و فصل وضعیت فلسطین بستگی دارد. مشارکت ریاض نه تنها توافقنامه ها را تقویت می کند، بلکه می تواند زمینه را برای پذیرش گسترده اسرائیل در منطقه، تغییر شکل بیشتر ژئوپلیتیک خاورمیانه و به طور بالقوه گشودن راه های جدید برای رسیدگی به نگرانی های فلسطین به طور جامع فراهم کند. با نگاهی به آینده، بقا و موفقیت توافق نامه ابراهیم به تعهد مستمر همه طرف ها برای حفظ مسیر گفت و گوی ساز، تقویت روابط اقتصادی و تقویت ارتباطات مردمی که فراتر از تنش های سیاسی است، بستگی دارد.

عادی سازی روابط عربستان و اسرائیل

همکاری آرام بین اسرائیل و عربستان سعودی یک سال پس از حمله حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ نه متوقف شده و نه کاهش یافته است. عربستان سعودی از آغاز بحث ها در مورد «عادی سازی»، اصرار داشت که رسمی سازی عمومی روابط تنها با رسمی سازی موزی مسیری برای تشکیل کشور فلسطین انجام شود. این «مسیر» درست قبل از ۷ اکتبر بیشتر شبیه یک «مفهوم مبهم» به نظر می رسید: اگر ایالات متحده با ارائه تضمین دفاعی، در جهت حمایت از برنامه غیرنظامی انرژی هسته ای ریاض اقدام می کرد، پادشاهی عربستان آماده عادی سازی بود. اما این اسرائیل بود که نپذیرفت. در شرایطی که عربستان سعودی از رسمی کردن ادغام اسرائیل با جهان عرب تا زمانی که تل آویو متعهد به تشکیل کشور فلسطینی در آینده نشود، امتناع می کند، کشورهایی مانند قطر و کویت مجبورند هر روز کمتر از دیروز از وضعیت روابط خود با اسرائیل دفاع کنند. حتی امارات متحده عربی نیز ادامه روابطش را با اسرائیل به مسیر دوکشوری گره زده است. عربستان سعودی و اسرائیل با وجود تفاوت در مدل ها، از زیاده های مشابهی از تهدیدات مدل های حکومتی خود دارند. پنهان کاری آنها را با عدم حرکت رو به جلو اشتباه نگیرید.

چرخش اسرائیل به راست

پس از گذشت یک سال، بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر هنوز نتوانسته شکست هفتم اکتبر را جبران کند. البته او در حفظ ائتلاف خود مانند همیشه زیرک نشان داده است و امید بسیاری از اسرائیلی ها برای برگزاری انتخابات زودهنگام از بین رفته است. اقتصاد اسرائیل که قبلاً در جریان اصلاحات قضایی بحث برانگیز قبل از ۷ اکتبر ضربه خورده بود، از جنگ آسیب دیده است. گشایش جبهه دوم با حزب الله به این اقتصاد آسیب بیشتری می رساند. با این حال، با وجود همه آشفتگی ها، نتانیاهو همچنان به بیرون کشیدن خود از چاه ادامه می دهد و محبوبیت خود را افزایش داده است. نظرسنجی های اخیر نشان می دهد که اگر چه نتانیاهو لزوماً نمی تواند ائتلافی تشکیل دهد، اما در صورت برگزاری انتخابات، همچنان بیشترین تعداد آرا را از هر حزبی کسب خواهد کرد. جناح چپ اسرائیل از بین رفته است. نظرسنجی های سراسری نشان می دهد که ۶۶ درصد از اسرائیلی های یهودی و ۶۱ درصد از فلسطینی ها معتقدند طرف مقابل «می خواهد علیه آنها نسل کشی کند». دیدگاه های جناح راست اسرائیل به طور فزاینده ای تثبیت شده و به جریان اصلی تبدیل شده است.

مترجم: آر یاصدیقی



سد راه اوکراین در ناتو

نخست وزیر اسلواکی به صراحت اعلام کرد از هر اقدامی که منجر به عضویت اوکراین در ناتو شود، جلوگیری می کند. رابرت فیلتسو اعلام کرد، تا زمانی که وی در اسلواکی قدرت را در دست دارد، اجازه پیوستن اوکراین را به ناتو نمی دهد. او گفت: «تا زمانی که نخست وزیر اسلواکی هستم، قانونگذاران حزب را به سمت وسویی هدایت می کنم که هرگز با عضویت اوکراین در ناتو موافقت نکنند. ورود اوکراین به ناتو اقدام خوبی برای آغاز جنگ جهانی سوم محسوب می شود.» فیلتسو یکی از منتقدان دیرینه سیاست های غرب در جریان ارائه کمک های نظامی و مالی به اوکراین است و بر لزوم دستیابی به راهکاری دیپلماتیک جهت پایان دادن به جنگ میان روسیه و اوکراین تأکید دارد. او حتی با رها نسبت به تشدید تنش ها با مسکو تحت تأثیر سیاست های غرب در قبال اوکراین هشدار داده است. مخالفت وی با عضویت اوکراین در ناتو از آنجایی حائز اهمیت است که الحاق کشورهای جدید به این ائتلاف نظامی باید از سوی هر ۳۲ عضو ناتو تأیید شود.



دعوت برای امضای توافق نامه صلح

ارمنستان از جمهوری آذربایجان دعوت کرد تا پیش از شروع بیست و نهمین کنفرانس آب هوای سازمان ملل کاپ ۲۹ که قرار است در ماه نوامبر (آبان ماه) در باکو برگزار شود، توافق نامه صلح را امضا کند. آتی بدلیان، سخنگوی وزارت امور خارجه ارمنستان در همین ارتباط خاطر نشان کرد که ایوان تصمیم برگزاری کنفرانس آب و هوای سازمان ملل در باکو را ابزاری برای ایجاد اعتماد بین طرفین و برقراری صلح در منطقه می داند و از آن حمایت می کند. وی همچنین تأکید کرد که ارمنستان برای امضای این توافق نامه صلح کاملاً آماده است. بدلیان همچنین خاطر نشان کرد که بسیاری از تحلیل گران سیاسی با توجه به شرایط کنونی بر این باورند که لازم است برای جلوگیری از هرگونه پیشامد و پیامد منفی، مفاد توافق نامه صلح قبل از کنفرانس آب و هوای سازمان ملل امضا شود. سخنگوی وزارت خارجه ارمنستان افزود: «اگر توافق نامه صلح به امضا نرسد، رهبرانی که به باکو می روند ممکن است ناخواسته به جنگ افروزان آینده تبدیل شوند.»



عدم همکاری واشنگتن برای آتش بس

رئیس پارلمان لبنان تأکید کرد که آمریکا برای اجرای فراخوان مشترک خود با فرانسه، اتحادیه اروپا و کشورهای عربی برای برقراری فوری آتش بسی ۲۱ روزه، هیچ اقدامی انجام نمی دهد. نیبه بری، رئیس پارلمان لبنان در گفت و گو با روزنامه «الجمهوریه» چاپ این کشور تأکید کرد: «ما به این فراخوان جهت دستیابی به توافقی نهایی برای اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ پایبند هستیم، این بیانیه بین المللی پایه خوبی برای توقف حملات مستمر اسرائیل به لبنان است.» بری اظهار کرد: «پاریس و لندن به این بیانیه یا فراخوان پایبند هستند اما واشنگتن به صورت ظاهری با آن همراهی می کند اما در اصل هیچ کاری برای اجرای آن انجام نمی دهد و فشار جدی را به رژیم اسرائیل وارد نمی کند تا به این بیانیه پایبند بوده و حملات خود را متوقف کند.» رئیس پارلمان لبنان در ادامه گفت: «به نظر می رسد برعکس، این نتانیاهو است که با سوء استفاده از فرصت انتخابات ریاست جمهوری آمریکا که در آن دموکرات ها و جمهوری خواهان بر سر جلب رضایت اسرائیل با هم رقابت می کنند، به آمریکا فشار می آورد.»

